

بررسی تطبیقی ارث زوجه از منظر فقه امامیه و فقه حنفیه

فاطمه ابراهیمی^۱

چکیده

این پژوهش به بررسی ارث زن از منظر فقه امامیه و اهل سنت پرداخته است. در اسلام، زنان به عنوان انسان‌هایی با حقوق مالی و غیرمالی شناخته می‌شوند که ارث یکی از حقوق مالی آن است. در قوانین اسلام تفاوت‌هایی بین سهم ارث زن و مرد وجود دارد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بین مذهب شیعه و سنی در مورد سهم الارث زن (در صورت داشتن یا نداشتن فرزندان) توافق وجود دارد، اما در خصوص ارث زن از اموال مختلف زوج، اختلافاتی میان این مذاهب مشاهده می‌شود. همچنین، اختلافات درون مذهبی نیز در برخی موارد، مانند ارث زن از املاک و اراضی، بیشتر به چشم می‌خورد. این پژوهش حالات ارث زوجین را به دو دسته تقسیم کرده است: ارث زوجین با فرزندان و ارث زوجین بدون فرزندان. همچنین ارث زوجین از اموال منقول و غیرمنقول که در مقاله بررسی شده است. روش تحقیق به کاررفته در این مطالعه، کتابخانه‌ای و به صورت تحلیلی و توصیفی است.

واژگان کلیدی: میراث زوجه، مذهب شیعه، مذهب حنفی، زوجه.



مقدمه

بدون تردید، اقتصاد به عنوان یکی از ارکان اساسی زندگی انسان، نقش مهمی در تعیین راه‌های کسب درآمد و تملک مشروع ایفا می‌کند. ارث یکی از روش‌های تملک مشروع است که از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد. نگرش جوامع به زن و مسائل اقتصادی مرتبط با او، همواره مورد بحث و بررسی بوده و گاهی به بهانه‌های مختلف مانند دفاع از حقوق زنان، به دیدگاه‌های افراطی یا تفریطی منجر شده است. اندیشمندان مسلمان نیز مطالعات متعددی در این زمینه انجام داده‌اند، اما آنچه بیشتر مورد توجه قرار گرفته، مسائل مالی مربوط به زن، از جمله مهریه، نفقه، درآمدهای شغلی و ارث بوده است. تاریخچه ارث زن نشان‌دهنده تغییرات و تحولات قابل توجهی است. در دوره‌های مختلف، به دلیل نگرش‌های غیر جامع، زنان گاهی از ارث محروم می‌شدند یا حتی خود به عنوان کالایی موروثی در نظر گرفته می‌شدند. با ظهور اسلام، زنان برای اولین بار از حقوق میراث مشخص و معینی برخوردار شدند که نه تنها به آنان شخصیت و جایگاه اجتماعی بخشید، بلکه استقلال مالی نیز برایشان به ارمغان آورد. این تحول مهم، نقش بسزایی در بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی زنان در جوامع اسلامی ایفا کرده است.

اسلام با به رسمیت شناختن زن به عنوان موجود انسانی مستقل و ضروری برای بقای بشریت، به او سهمی از ارث اختصاص داده است. پیش از اسلام، زنان نه تنها از ارث محروم بودند بلکه خود به عنوان مایملکی به ارث برده می‌شدند. اسلام این وضعیت را تغییر داد و زن را به عنوان وارث به رسمیت شناخت و حقوق انسانی او را محترم شمرد. خواه او همسر، مادر، دختر یا خواهر باشد، این سهم ارث به او تعلق دارد و هیچ کس نمی‌تواند او را از آن محروم کند. موضوع ارث زوجه، یکی از مسائل مهم در فقه اسلامی است که محققان و نویسندگان دینی بسیاری به آن پرداخته‌اند. پژوهش حاضر تلاش می‌کند به بررسی تفاوت‌های ارث زوجه در مذاهب اهل سنت و تشیع پرداخته و پاسخ این مسئله را مورد بررسی قرار دهد که احکام فقهی ناظر بر ارث زوجه در فقه امامیه و حنفی چه وجوه افتراق و اشتراک دارند؟ این مطالعه



با استفاده از روش تحقیق تحلیلی و توصیفی و گردآوری داده‌ها از کتاب‌ها و مقالات معتبر علمی انجام شده است. در این پژوهش، مسئله ارث زوج به صورت مقایسه‌ی بین فقه امامیه و حنفیه بیان شده است؛ که نشان می‌دهد بین این دو مذهب وجه اشتراک (ارث زوجین با فرزند و بدون فرزند) و وجه اختلاف (ارث از اموال منقول و غیرمنقول) وجود دارد. پیش از پرداختن به موضوع اصلی، مقدمات پژوهش از جمله مفهوم میراث، تاریخچه ارث زوج در اقوام و ملل مختلف قبل از اسلام، نظام میراث در حقوق اسلام، فلسفه تفاوت ارث زن و مرد و شرایط تحقق ارث زوج مورد بررسی قرار گرفته است.

۱. مفهوم میراث

هرچند مفاهیمی چون ارث و میراث برای بسیاری شناخته شده‌اند، اما به منظور نگارش یک متن علمی، به توصیف کاربردی برخی از مفاهیم اساسی تحقیق می‌پردازیم و مقصود تحقیق را در خصوص آن‌ها بیان می‌کنیم. برخی اساتید حقوق ارث را این گونه تعریف کرده‌اند: «ارث در لغت به معنای ترکه و اموالی است که از متوفی به جا می‌ماند و در اصطلاح حقوقی به معنای انتقال مالکیت اموال متوفی به وارث او پس از فوت است» (فهیمی، ۱۳۸۱: ۳۳). واژه میراث بر وزن «مفعال» یا از کلمه ارث مشتق شده و یا از کلمه میراث، به معنای «موارث» بوده است. طبق این تعریف، میراث به معنای پیدا کردن چیزی از نظر شرع توسط فردی است که به واسطه فوت دیگری که با او خویشاوندی نسبی یا سببی دارد، به دست می‌آید. یا اینکه از کلمه «موروث» مشتق شده است که به معنای مالی است که از متوفی به بستگان او می‌رسد و به واسطه خویشاوندی نسبی یا سببی از نظر شرع استحقاق آن را پیدا می‌کند.

میراث به معنای انتقال مال و دارایی از یک شخص به شخص دیگر بدون عقد و قرارداد مشخص است. به طور عمومی، این اصطلاح برای اموالی که پس از فوت فرد به بازماندگان او باقی می‌ماند، استفاده می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳، ج ۴:

۴۳۹-۴۴۰). در فرهنگ معین، میراث به این شکل تعریف شده است: «مال و دارایی مرده را صاحب شدن، باقی گذاشتن مال و دارایی پس از فوت فرد، با وصیت یا بدون وصیت، حقوقی است که به دلیل مرگ افراد به آن مستحق می‌شود» (معین، ۱۳۸۸، ج ۱: ۱۹۴).

۲. حکمت تقسیم ارث

در باره حکمت تقسیم ارث در زندگی اجتماعی باید گفت که اسلام از طریق احکام میراث، دو خطر مهم را از جامعه دور نموده است: اولاً، جلوگیری از تجمع ثروت و دارایی در دست افراد معدود که می‌تواند به خودبینی و تحریک طبقات مستضعف در برابر ثروتمندان منجر شود. دوماً، اسلام جلوی محرومیت تمامی اعضای خانواده از میوه تلاش‌های پدران، فرزندان، همسران و خویشاوندان را می‌گیرد که با دارا بودن ارتباط نسبی، سببی یا قرابت، می‌توانند به آن‌ها حق میراث را اختصاص دهند. این محرومیت می‌تواند به ناهنجاری‌های اجتماعی مختلف منجر شود. اسلام تقسیم اموال باقی مانده از شخص فوت شده را میان خویشاوندانش تقسیم می‌کند و از دادن آن به یک فرد خاص جلوگیری می‌کند، به این ترتیب از طغیان مالی جلوگیری می‌کند. همچنین، اسلام این اموال را به دولت نمی‌دهد تا تضمین کند که همه خویشاوندان از آن بهره‌مند شوند. این رویکرد از پیامدهای منفی اجتماعی متعددی جلوگیری می‌کند، از جمله طغیان اقتصادی، شورش و تجمع سرمایه در دست یک فرد که معمولاً باعث اختلالات گسترده اجتماعی می‌شود. حضور ثروت بیش از حد در هر جایی، به همراه محرومیت گسترده، هیچ‌گاه زندگی اجتماعی را پایدار نمی‌سازد.

۳. تحولات حقوق زنان در اسلام و مقایسه آن سایر تمدن‌ها

در عربستان قبل از ظهور اسلام، زنان بار زندگی بیشتری را بر دوش می‌کشیدند، اما جامعه آن زمان به دختران خود دل نمی‌بستند و اگر متوجه می‌شدند که کودک به دنیا آمده دختر است، از این وضعیت آزرده می‌شدند (شهیدی، ۱۳۶۹: ۲۶). قرآن کریم نیز در آیه‌ای می‌فرماید: «و هرگاه یکی از آنان را به خبر دختر مژده دهند، چهره‌اش



سیاه می‌شود و از خشم خود فرومی‌افتد» (نحل: ۵۸-۵۹). در دوران پیش از اسلام، عرب‌ها زن را موجودی کم‌ارزش می‌دانستند و زن به تحت استیلا مردان بود. در این دوران، زن متوفی را به‌عنوان جزء ارث می‌شمردند و همسر مرده حق میراث زن را مانند دارایی‌های دیگر او دریافت می‌کردند. زیرا در نگاه متعارف آن زمان، میراث به‌عنوان حق مختص مردان در نظر گرفته می‌شد. در تمدن یونان نیز، میراث خانواده به فرزندان پسر می‌رسید و زنان و فرزندان دختر به‌طور کامل از ارث محروم می‌بودند. باگذشت زمان، گاهی اوقات از طریق وصیت، اموالی به دختران و زنان داده می‌شد، اما در کلیت، زنان محروم از حقوق میراث بودند. در برخی از قبایل هند، زن پس از مرگ شوهرش به‌عنوان ترکه به ارث می‌رسید و یا بر اساس رسم «ساتی» به همراه جسد شوهرش در آتش می‌افکندند که این امر نماد وفاداری و عشق زن هندی به شوهرش محسوب می‌شد. در بعضی قبایل هند، زن حکم دام داشت و بین وراثت تقسیم می‌شد (ذکی‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۹۳-۱۹۴).

از آنجایی که ارث حقی طبیعی است که نمی‌توان آن را انکار کرد؛ به‌نحوی که قانون ارث افزون بر یک امر طبیعی و فطری در گسترش تلاش‌های اقتصادی نیز تأثیر عمیقی دارد. بنابراین، تقسیم و توزیع ارث باید دقیق و عادلانه باشد تا حق کسی ضایع نگردد و فردی از این حق طبیعی و خدا دادی خود محروم نگردد. در دین مبین اسلام تقسیمات ارث بر اساس آیات قرآن صورت می‌گیرد. اسلام درباره حق برخورداری زن از ارث، انقلاب عظیمی به وجود آورد و به زنان حق ارث عطا کرد و تمام قوانین ظالمانه دوران جاهلیت را که بر پایه اعتقادات و آداب و رسوم قبیله‌ای بود، نسخ نمود. اسلام نه تنها حق ارث زنان را تشریع نمود، بلکه به ارث برده شدن زنان را که در آن عصر امری رایج بود نیز ممنوع اعلام کرد (ذکی‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۹۳ و ۱۹۴). قرآن کریم در سوره نساء، با عادات و رسوم غلطی که زنان کودکان و افراد ناتوان را از ارث محروم می‌ساخت، به مبارزه برخاست و بر روی تمام آن قوانین غلط، خط بطلان کشید: «لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا» (نسا: ۷)؛ برای مردان از آنچه



پدر و مادر و خویشاوندان از خود به جای می‌گذارد سهمی است، برای زنان نیز از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان به جای می‌گذارد سهمی است. خواه آن مال کم باشد یا زیاد.

۴. فلسفه تفاوت ارث زن و مرد

اسلام احکام ارث را بر اساس مرد یا زن بودن، وضع نکرده است. بلکه بر اساس مسئولیت مالی و موقعیتی که آن دو در خانواده دارد و به ملاحظه مسئولیت‌ها و تکالیفی که بر عهده آن‌ها نهاده شده است، قرار داده است؛ بنابراین، سهم الارث متفاوت، با دیدگاه کلی اسلام نسبت به خانواده و تقسیم وظایف و مسئولیت‌ها، سازگار و عادلانه است و کمتر بودن سهم الارث زن در برخی موارد، دلیل بر این نیست که اسلام، ارزش و شخصیت زن را نادیده گرفته است. بلکه صرفاً به دلیل عوامل اقتصادی و اجتماعی است.

قوانین ارث در نظام حقوقی اسلام، بر اساس موقعیت اجتماعی و به حکم وضع طبیعی‌ای که هر کدام از زن و مرد دارند، تنظیم شده است و ملاک، تنها زن یا مرد بودن نیست و این گمان که همیشه زن صرفاً به دلیل جنسیت، نصف مرد ارث می‌برد، ناشی از بی‌دقتی و عدم مطالعه و تحقیق، در احکام ارث در اسلام است. زیرا گاهی سهم الارث آن دو مساوی است و در بعضی موارد سهم زن بیش از مرد است. پس علت بیشتر بودن سهم الارث مرد از زن، کرامت و عزت بیشتر مرد نسبت به زن نیست، بلکه ناشی از تعهداتی است که بر عهده مرد است از قبیل نفقه و مهر (زکی زاده، ۱۳۹۵: ۲۰۰). دلیل نصف بودن ارث زن از مرد این است که اسلام جهاد و برخی مکلفیت‌های دیگر را از عهده زن برداشته و به علاوه مهر و نفقه را به نفع او بر مرد لازم شمرده است (مطهری، بی‌تا: ۲۲۷). بنابراین چون مخارج و احتیاجات مالی مرد از زن بیشتر است (زنان در مقابل در مقابل درآمدی که دارند، مخارجشان بسیار کمتر است) اسلام سهم الارث مرد را بیشتر از زن قرار داده تا طبق اصل تقسیم مال بر اساس حاجت، تعادلی میان درآمد و مخارج آن‌ها برقرار گردد. هرچند، امروزه



به اقتضای شرایط زمانی و نیازهای خانوادگی، گاه زنان پا به پای مردان در خارج از منزل به کار مشغول‌اند و در تأمین اقتصاد خانواده نقش دارند و شراکت آنان در امور مربوط به زنان و مطابق با شأن و منزلت آنان امری پسندیده است، ولی هرگز از نظر شریعت اسلام، زنان ملزم به تأمین مخارج زندگی خویش و خانواده نیستند. بنابراین قانون ارث در اسلام بر پایه عدالت اقتصادی و اجتماعی قانون‌گذاری شده و در آن مسئولیت‌های اجتماعی و خانوادگی هر یک از زن و مرد رعایت شده و اگر از درون نظام حقوقی اسلام، به قانون ارث بنگریم، سهم زنان که هیچ مسئولیت مالی بر دوش ندارند، کاملاً منصفانه و ضامن کرامت و عزت زنان مسلمانان است.

۵. بررسی تطبیقی ارث زوجه

در گذشته و پیش از اسلام، زن از ارث محروم بوده است. چگونگی و مقدار محرومیت و علت آن در جامعه‌های مختلف فرق داشته است. برخی برای زن نقشی در خانواده و تولید فرزند قائل نبوده‌اند و ارث زن را انتقال ثروت به بیگانه تلقی می‌کرده‌اند، زن و فرزندان او را خارج از فامیل می‌دانسته‌اند. برخی چون برای زن شخصیت حقوقی و استقلال اقتصادی قائل نبوده‌اند او را از ارث محروم می‌داشتند. از آنجاکه به‌طور طبیعی زن نمی‌توانست در امور دفاعی سلاح بردارد، عرب جاهلی او را از ارث محروم می‌دانست و هنگامی که آیه ارث نازل شد برای برخی از آنان باعث شگفتی شد: «لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا» (نساء: ۷)؛ از هر چه پدر و مادر و خویشاوندان به ارث می‌گذارند، مردان را نصیبی است؛ و از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان به ارث می‌گذارند، چه اندک و چه بسیار، زنان را نیز نصیبی است؛ نصیبی معین.

خداوند در آیه ۱۲ سوره نساء، به تفصیل در مورد تقسیم ارث پس از مرگ شخصی که فرزند نداشته یا فرزندانش به نحوی دیگر موجود نیستند، تبیین نموده چنین فرموده است: «وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمْ



الرّبع ممّا ترکن من بعد وصیة یوصین بها او دین و لهن الرّبع ممّا ترکتم ان لم یکن لکم ولد فان کان لکم ولد فلهنّ الثمن ممّا ترکتم من بعد وصیة توصون بها او دین...» (نساء: ۱۲). برای شما مردان مایترک زنانان است، اگر بدون فرزند باشند، ولی اگر ذات ولد باشند، سهم شما از آنچه به جای می‌گذارند، است؛ البته پس از پرداخت دیون متوفی و عمل به وصیت ایشان و زوجه غیر ذات ولد از مایترک شما ارث می‌برد و زوجه ذات ولد

در روایات نیز بحث میراث زنان مورد بحث قرار گرفته است. برادر حسان بن ثابت، شاعر معروف زمان پیامبر^(ص) درگذشت و از او زنی با چند دختر باقی ماند. اما پسرعموهای او همه دارایی وی را تصرف کردند و چیزی به زن و دختران او ندادند. زن او شکایت نزد رسول اکرم^(ص) برد، حضرت آن‌ها را احضار کرد، گفتند: زن که نمی‌تواند سلاح بپوشد و در مقابل دشمن بایستد، این ما هستیم که باید شمشیر به دست بگیریم و از خودمان و از این زن‌ها دفاع کنیم، پس ثروت هم باید متعلق به مردان باشد، ولی رسول اکرم حکم خدا را به آن‌ها ابلاغ کرد. در عرب جاهلی، پسرخوانده مرد ارث می‌برد، ولی زن نه تنها ارث نمی‌برد، بلکه جزء سهم الارث به شمار می‌آمد. این محرومیت از ارث و دیگر حقوق، ویژه عرب جاهلی نبود، بلکه در یونان و ایران سامانی نیز زن از محرومیت‌های فراوانی رنج می‌برد. اما در اندیشه اسلامی زن تحت چهار شرط مستحق ارث از دارایی شوهرش دانسته می‌شود: علقه زوجیت باشد؛ بقاء زوجیت در زمان فوت؛ دائم بودن عقد نکاح؛ ممنوع نبودن زوجه از ارث.

۶. وجوه اشتراک ارث زوجین در فقه امامیه و حنفیه

در خصوص سهم زن از ارث شوهر و میزان ارث زن از اموال شوهرش باید گفت که سهم الارث زن از اموال شوهر، در صورت داشتن فرزند با حالتی که مرد فرزندی ندارد متفاوت هست. باید دقت داشت که وجود فرزند و یا عدم وجود فرزند، در خصوص متوفی ملاک است؛ یعنی معیار تفاوت میزان سهم الارث زن این است





که مرد هنگام فوت فرزندی دارد یا فرزندی ندارد و مهم نیست این فرزندان حاصل ازدواج او با همسر فعلی خود باشد یا همسر سابقش.

بنا بر آنچه از ظاهر آیات و روایات برمی آید، در صورتی که مرد فوت کند و فرزند داشته باشد سهم الارث زوجه یک هشتم هست. چنانچه آیه قرآن کریم نیز بر این مطلب دلالت دارد «... و لهنّ الربع ممّا ترکتم ان لم یکن لکم ولد فان کان لکم ولد فلهن الثمن ممّا ترکتم من بعد وصیته توصون بها...»؛ یک چهارم میراث شما برای زنانان است اگر فرزندی نداشته باشید و اگر برای شما فرزندی باشد یک هشتم میراث شما از آن، آن‌ها است. (نساء، ۱۲). در این باب روایات متعددی نیز وجود دارد که از آن جمله می‌توان به روایت محمد بن یعقوب از محمد بن یحیی از محمد بن مسلم از امام جعفر صادق علیه السلام اشاره کرد که امام فرمودند: «سهم زوجه در صورتی که فرزند نداشته باشد یک چهارم و اگر برایش فرزندی باشد یک هشتم میراث است» (وزیری فرد و فرقانی، ۱۳۸۷: ۱۴۴). اما زوج، اگر زوجه بمیرد و فرزند داشته باشد سهم الارث زوج یک چهارم میراث است چنانچه آیه قرآن کریم در این مطلب را صریحاً بیان می‌دارد «... فإن کان لهنّ ولدٌ فلكم الربع ممّا ترکن...»؛ اگر برای زنان شما فرزندی باشد پس برای شما (مردان) یک چهارم از چیزی است که آن‌ها باقی گذاشته است (نساء، ۱۲). اما اگر مرد بمیرد و فرزندی نداشته باشد در این صورت سهم الارث زن یک چهارم از ترکه میت است که آیه ۱۲ سوره نساء و روایت مذکور شاهد بر این مطلب نیز هست. و اما در مورد زوج، اگر زوجه بمیرد و فرزندی نداشته باشد پس برای زوج یک دوم یا نصف کل ترکه میت است، «و لکم ما نصف ما ترک ازواجکم ان لم یکن لهن ولدٌ...». اگر برای شما زنان فرزندی نباشد، برای شما است نصف از آن چیزی که از آن‌ها باقی مانده است.

در نتیجه: اگر میت زوج باشد و فرزندی داشته باشد سهم الارث زوجه اش یک هشتم و اگر فرزندی نداشته باشد یک چهارم از ترکه میت را به ارث می‌برد و اگر میت زوجه باشد و فرزندی نداشته باشد سهم الارث زوج نصف ترکه میت است ولی اگر فرزندی داشته باشد در این صورت یک چهارم از ترکه میت را زوج آن به ارث می‌برد. در این



موارد هیچ اختلافی بین مذهب جعفری و حنفی وجود ندارد؛ اما اینکه زوجین از کدام اموال یکدیگر ارث می‌برد و آیا مازاد ترکه میت به زوجین رد می‌شود یا نه؟ از موارد اختلافی است که بحث خواهد شد.

۷. وجوه افتراق ارث زوجین در فقه امامیه و حنفیه

یکی از وجوه افتراق فقه شیعه و سنی در خصوص ارث زوج، بحث توارث از اموال منقول و غیر منقول است. توضیح اینکه طبق فقه اهل سنت زوج و زوجه، از همه اموال یکدیگر ارث می‌برد و از این جهت بین اموال منقول و غیر منقول اراضی و غیر اراضی هیچ تفاوت وجود ندارد، یعنی که از اموال یکدیگر عیناً ارث می‌برد (گلپایگانی، ۱۴۰۵: ۷). اما در فقه امامیه زوج می‌تواند از تمام اموال چه منقول و غیر منقول زوج ارث ببرد، ولی اینکه زوجه از تمام اموال منقول و غیر منقول زوج ارث می‌برد یا نه اقوال مختلف است و همچنان در فقه شیعه در مورد اینکه زوجه با فرزند و بدون فرزند از کدام اموال میت ارث می‌برد نیز اقوال مختلفی وجود دارد. برخی به این باورند که زوجه از اراضی مطلقاً هم از لحاظ عینی و هم از لحاظ قیمت و از عین آلات و ابنیه ارث نمی‌برد. دلیل بر این نظر روایات متعددی از جمله روایت حسنه کافی از امام علی علیه السلام است که می‌فرماید: «ان المراء لا ترث من ترکه زوجها من تربہ دار او ارض الا ان يقوم الطوب والخشب قیمه فتعطى اوربعها و ثمنها...». (کلینی، ۱۳۷۰: ۱۲۸). اما برخی دیگر به این باورند که زوجه از مساکن و اراضی محروم است اما اراضی باغ، مزرعه و مانند آن را مطابق سهم خود که یک چهارم یا یک هشتم هست، ارث می‌برد. از آلات و ابنیه و اشجار هم فقط قیمت آن را مستحق می‌شود. دلیل این قول اجماع و دیگر اینکه مطابق ظاهر قرآن کریم است: «لهن الربع ما ترکتم» (نساء، ۱۲)؛ و برای زنان شما یک چهارم میراث شماست. قول دیگر نیز آن است که زوجه از خانه و اراضی محروم است نه از قیمت آن و در مورد بقیه اموال زن سهم خود را از عین آن‌ها می‌برد (گلپایگانی، ۱۴۰۵: ۷۳).

اما محقق و شهید ثانی بین دو حالت تفکیک قائل شده‌اند، نخست اینکه زوجه



اگر فرزندی داشته باشد از همه اموال حتی زمین ارث می‌برد و اگر فرزندی نداشت از زمین ارث نمی‌برد (شهیدی، ۱۳۸۱: ۲۰۰). شهید اول نیز به شرط داشتن فرزند از زوج متوفی برای زن از زمین ارث کامل در نظر می‌گیرد چنانچه در کتاب لمعه شهید اول می‌فرمایند: «زوجه یا از متوفی اولاد دارد یا اولاد ندارد. اگر اولاد داشته باشد از تمام ترکه شوهر ارث می‌برد و اگر اولاد نداشته باشد از منقولات ترکه سهم خود را می‌گیرد و ساختمان و مصالح به کاررفته در آن و نیز درخت‌ها و اشجار متوفی را قیمت می‌کنند و سهم زوجه را از قیمت آن‌ها می‌پردازد ولی از عین آن‌ها ارث نمی‌برد و اما از زمین‌های متوفی چه زمین‌های زراعتی یا غیر زراعتی چه در آن‌ها ساختمان باشد یا نباشد ارث نمی‌برد نه از عین آن و نه از قیمت آن» (مسعودی، ۱۳۷۸: ۷۰). ابن ابی یعفور از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که از امام سؤال کردم که آیا مرد از اموال همسرش ارث می‌برد یا مانند زن است که هیچ چیز نبرد؟ امام در پاسخ گفت: مرد و زن هر دو از اموال یکدیگر ارث می‌برد (حر عاملی، ۱۴۱۰: باب ۷ از ابواب میراث ازدواج، ح ۱). شیخ طوسی و شیخ صدوق و دیگران این روایت را به این حمل کرده است که زن دارای فرزند باشد. آنچه درباره سهم الارث زن یادآور شدیم، نگاه کلی بود به اصل موضوع، اما اگر بحث جزئی‌تر مورد توجه قرار گیرد، هر مورد از انواع و ابعاد موضوعی ارث برای خود تفسیر و توجیهی دارد.

نتیجه‌گیری

این پژوهش به بررسی ارث زن از منظر فقه امامیه و اهل سنت پرداخته است و تفاوت‌ها و شباهت‌های موجود در احکام مربوط به ارث زوجه در این دو مذهب را تحلیل کرده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که هرچند در مواردی مانند سهم الارث زن در صورت داشتن یا نداشتن فرزند، توافق‌هایی بین مذهب شیعه و سنی وجود دارد، اما در خصوص ارث زن از اموال مختلف زوج، اختلافاتی مشاهده می‌شود. این اختلافات به‌ویژه در مورد اموال منقول و غیر منقول، برجسته‌تر است. همچنین، در فقه امامیه بین دو حالت ارث زوجین با فرزند و بدون فرزند تفاوت‌هایی



وجود دارد که می‌تواند در تفسیرها و کاربردهای حقوقی تأثیرگذار باشد. به‌طورکلی، فقه امامیه تأکید بیشتری بر تمایز بین انواع اموال (منقول و غیرمنقول) دارد و در مواردی محدودیت‌هایی را برای ارث زوجه از اموال غیرمنقول قائل است، درحالی‌که فقه حنفی این محدودیت‌ها را ندارد و زوجه از تمام اموال زوج ارث می‌برد.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بررسی تطبیقی ارث زوجه در فقه امامیه و حنفیه، نمایانگر تفاوت‌های مهمی در تفسیر و اجرای احکام ارث در این دو مذهب است. این تفاوت‌ها بر پایه روایات، سنت و اجماع فقها شکل گرفته و نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری و تفاوت در رویکردهای فقهی است که می‌تواند بر حقوق مالی زنان تأثیرگذار باشد. درنهایت، این پژوهش با تأکید بر اهمیت شناخت دقیق قوانین ارث و تفاوت‌های موجود بین مذاهب، به‌ضرورت بازنگری و تطبیق قوانین ارث با نیازهای معاصر و حفظ عدالت اجتماعی و اقتصادی تأکید می‌کند. این بررسی‌ها می‌تواند زمینه‌ساز اصلاحات قانونی و بهبود وضعیت حقوقی زنان در جوامع اسلامی باشد.

فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. حر عاملی، محمدحسن، (۱۴۱۰)، وسائل الشیعه الى تحصیل مسائل الشریعه، بیروت: دارالحیاء التراث العربی.
۲. راغب اصفهانی، حسین، (۱۳۸۳)، مفردات الفاظ القرآن، مترجم: غلامرضا خسروی حسینی، تهران: المکتبه المرتضویه لاحیاء آثار الجعفریه.
۳. زکی زاده، مرضیه، (۱۳۹۵)، حقوق مالی زن در افغانستان مطابق با قانون مدنی و قانون احوال شخصیه اهل تشیع افغانستان، کابل: جامعه المصطفی العالمیه.
۴. شهیدی، مهدی، (۱۳۸۱)، ارث، تهران: مجد.
۵. فهیمی، عزیز الله، (۱۳۸۳)، بررسی تطبیقی ارث اقلیت های دینی در حقوق اسلام و ایران، قم: انتشارات اشراق.
۶. کلینی، ثقه الاسلام، (۱۳۷۰)، اصول کافی، مترجم: محمد باقر کمره ای، قم: انتشارات اسوه.
۷. گلپایگانی، لطف الله صافی، (۱۴۰۵ ق)، میراث الزوجه، قم: دارالقرآن الکریم.
۸. مسعودی، سید اسدالله، (۱۳۷۸)، شرح کتاب ارث، شرح العمه الدمشقیه به انضمام چند مسئله دیگر، قم: انتشارات در راه حق.
۹. مطهری، مرتضی، (۱۳۹۰)، حقوق زن در اسلام، تهران: مرکز نشر آثار استاد شهید مرتضی مطهری.
۱۰. معین، محمد، (۱۳۸۸)، فرهنگ معین، تهران: امیرکبیر.
۱۱. وزیری فرد، سید محمد جواد و فرقانی، (۱۳۸۷)، سهم الارث زن از اموال شوهر، فصل نامه بانوان شیعه، شماره ۲.

